



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 33. No 1. Spring 2026

Received date: 2026.01.08

Acceptance date: 2026.07.23



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmessjournal.ir

DOI: 10.22034/mesj.2026.247792

DOR: 20.1001.1.15601986.1405.33.1.6.0

Roles of Institutions in the Economic Development of Iran and Saudi Arabia: Francis Fukuyama's Theory Model

Ehsan Eilshahi¹



Abstract

The countries in the Third World that managed to achieve progress are those that devoted efforts to formulating specific strategies and policies. The most successful among them were those that relied on public participation in designing these strategies and making key decisions on development, thereby creating conditions for members of society to play their roles as responsible and informed individuals. Using Francis Fukuyama's theoretical framework, this article seeks to examine Iran's development status compared to Saudi Arabia before and after the Islamic Revolution. Iran and Saudi Arabia are geographically located in the same region and are relatively close in political terms; however, what has been observed in recent decades is that Saudi Arabia has achieved a more favorable level of development compared to Iran. This research is developmental in aim and adopts a comparative institutionalist method. Its data have been collected through library research and updated online sources, and qualitatively analyzed through content analysis. The central question of this paper is why Iran's achievements, despite its notable efforts over the past decades, have been fewer than those of Saudi Arabia. The findings indicate that Saudi Arabia, by establishing a strong institution known as the state, optimizing its bureaucracy, and properly implementing the rule of law, has succeeded in opening the path toward development and has adopted a broader and more comprehensive approach to development compared to Iran.

Keywords: Economic Development, State, Bureaucracy, Rule of Law, Iran, Saudi Arabia.

1 - Ph.D. in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Department of Political Science, Tehran South Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۳، شماره ۱، پیاپی (۱۲۳)، بهار ۱۴۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

Home page: www.cmessjournal.ir

DOI: 10.22034/mesj.2026.247792

DOR: 20.1001.1.15601986.1405.33.1.6.0

نقش نهادها در توسعه اقتصادی ایران و عربستان: مدل نظری فرانسیس فوکویاما

احسان ایل‌شاهی^۱



چکیده

کشورهایی در جهان سوم توانستند پیشرفت کنند که به تدوین راهبرد و خط مشی ویژه‌ای همت گماشته‌اند. موفقیت بیشتر از آن کشورهایی بوده که در تدوین این راهبردها و تصمیم‌سازی مهم در باب این موضوع متکی به مشارکت مردم بوده‌اند و زمینه را برای نقش‌آفرینی اعضای جامعه به‌عنوان افراد مسئول و آگاه فراهم ساخته‌اند. این مقاله با استفاده از چارچوب نظری فرانسیس فوکویاما سعی بر آن دارد به مطالعه وضعیت توسعه ایران نسبت به عربستان قبل و بعد از انقلاب اسلامی بپردازد. ایران و عربستان از لحاظ جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند و از لحاظ سیاسی هم تقریباً نزدیک به هم می‌باشند ولی آنچه در چند دهه اخیر مشاهده شده این بوده که عربستان از لحاظ توسعه نسبت به ایران در وضعیت بهتری قرار گرفته است. این پژوهش، از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر روش، نهادگرایی تطبیقی است و داده‌های آن با روش کتابخانه‌ای، منابع به روز اینترنتی گردآوری و به نوعی تحلیل محتوای کیفی شده است. سوال این پژوهش این است که چرا دستاوردهای ایران نسبت به تلاش‌های چشمگیری که در دهه‌های گذشته داشته نسبت به عربستان کمتر بوده است؟ نتایج به دست آمده این است که عربستان با ایجاد یک نهاد قوی به نام دولت، بهینه‌سازی بوروکراسی و ایجاد صحیح حاکمیت قانون توانسته است راه به سوی توسعه باز کند و نگاه متفاوتی نسبت به ایران به امر توسعه که یک امر همه‌جانبه است پیدا کند. **واژگان کلیدی:** توسعه اقتصادی، دولت، بوروکراسی، حاکمیت قانون، ایران، عربستان.

۱ - دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ehsan1987.i@gmail.com

مقدمه

توسعه تنها دوره‌ای از رشد یکنواخت نیست، بلکه فرایندی پویا برای دستیابی به نیروهای پیشبرنده توسعه و دارای فراز و فرود بسیار است. نظریه توسعه‌گرایی معادل نظریه دگرگونی است و در شرایط فعلی نظریه‌ای مسلط محسوب می‌شود. دگرگونی در این معنا به مثابه عنصری از یک ساختار تصور می‌شود. توسعه دارای نقطه عزیمت و نقطه پایان بوده و از مراحل مشخصی می‌گذرد و تابع قانون استحاله و تغییر است. تمامی دولت‌های در حال پیشرفت هدفی مشترک دارند و آن متجدد شدن یا پویایی، دموکراسی و مساوات‌طلبی است و به همین دلیل از قوائد علمی حاکم بر زندگی اقتصادی بین‌المللی فاصله می‌گیرند (بدیع، ۱۳۷۹: ۴۸).

اصلاح نهادها به معنای جابه‌جایی منافع و سازمان است و مخالف و موافق دارد. مواجهه با منافع متعارض و اختلافی، سیاست‌گذاری را تبدیل به سفری اکتشافی می‌کند. توسعه اقتصادی و اصلاح وضعیت جوامع در گرو هماهنگ ساختن این منافع متعارض است. اما هیچ نقشه راه از پیش تعیین شده‌ای برای این تعارضات وجود ندارد. اقتصادهای بزرگ و کوچک قربانی این تعارض شده‌اند و بسیاری از سیاستمداران نتوانسته‌اند قبل از وقوع بحران راه‌حلی برای هماهنگی منافع گروه‌های متعارض بیابند (اندروز و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴).

شناخت فرایند دگرگونی اقتصادی ما را قادر خواهد ساخت تا به عملکرد متفاوت اقتصادها در گذشته و حال پی ببریم. شناخت دگرگونی‌ها و تحولات اقتصادی، افزون بر فراهم آوردن امکان شناخت سیر تحولات گذشته، این امکان را فراهم می‌آورد تا عملکرد اقتصادها را در زمان حال و آینده بهبود بخشیم. دگرگونی اقتصادی تا حد زیادی یک فرایند عمدی و ارادی است و در واقع عنصر اصلی در تغییر و تحول تدریجی بشر، ارادی بودن بازیگران است (نورث، ۱۴۰۲: ۷-۹). به دیگر سخن، تا رهبران و یا مدیران یک کشور به معنای واقعی نخواهند امر توسعه اتفاق بیافتد، این امر محقق نخواهد شد.

پیشینه پژوهش

مطالعات نهادگرایانه از دهه ۱۹۹۰ به بعد نقش نهادها را در تبیین عملکرد توسعه‌ای دولت‌ها برجسته کرده‌اند. فوکویاما با تمرکز بر ظرفیت دولت، حاکمیت قانون و پاسخگویی، سعی دارد تا چارچوبی چند بعدی برای سنجش کیفیت دولت ارائه دهد. از جمله مقالاتی که در سال‌های اخیر به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به دیپلماسی اقتصادی عربستان (مرکز پژوهش اتاق بازرگانی، ۱۴۰۱) که به مواردی چون روابط تجاری، دیپلماسی اقتصادی، ساختار نهادی، توسعه صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی، تجارت

چند جانبه پرداخته و آینده پژوهی روابط ایران و عربستان تا ۲۰۲۸ (ترزم پور، ۱۴۰۳) که با توجه به نظریه تقارب ریمون آرون و گالبریت به مسائل امنیت ملی و حفظ منافع دو کشور پرداخته است، اشاره کرد. از سوی دیگر مقاله تدوین نقشه راه پیشبرد روابط اقتصادی ایران و عربستان (مرکز پژوهش اتاق بازرگانی، ۱۴۰۲)، به موضوعاتی مختلف از قبیل رقابت راهبردی، تعامل، تفاهم، همکاری راهبردی، اتحاد، اختلافات ژئوپلیتیک، نقشه راه، چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، استراتژی توسعه اقتصادی اشاره کرده است. همان طور که ملاحظه می فرمایید موارد فوق از جمله مواردی هستند که با عناوین مختلف به مطالعه وضعیت ایران و عربستان پرداخته اند. این مقاله با تمرکز بر کیفیت سازمان یافتگی نهادهای دولتی و ظرفیت اجرایی آنها امکان تحلیل تطبیقی دولت ها بر اساس کیفیت حکمرانی و در نهایت پیشروی به سمت یک توسعه اقتصادی مناسب را فراهم می سازد و این در حالی است که در موارد یاد شده به چنین مواردی اشاره نداشته اند. مضاف بر اینکه این پژوهش از منظر دیدگاه فرانسیس فوکویاما انجام شده که در نوع خود کار بدیع است. در نهایت لازم به ذکر است که پژوهش انجام شده به صورت تطبیقی بین کشورهای ایران و عربستان در بازه زمانی قبل و بعد از انقلاب ج.ا.ا پرداخته که تقریباً بازه زمانی بیشتری مورد مطالعه قرار گرفته که خود نشان از اهمیت موضوع و تازگی پژوهش می باشد.

چارچوب نظری

باید بین توسعه اروپا که در حالتی آرام و به گونه ای تدریجی در محیط فنی مساعدی صورت پذیرفته و توسعه در جهان سوم که با حالتی سریع و خشن روی داده است، تفکیک قائل شد. نظام اجرایی در برخی از کشورهای توسعه نیافته همچون بیماری می ماند که دچار مسمومیت دارویی شده و هر روز نیاز به داروی تازه ای دارد تا به آن تجویز گردد.

نهادها و موسسات کانون درک اقتصادها می باشند، چون نهادها ساختار انگیزش اقتصادی محسوب می شوند. نهادها قواعد بازی و سازمان ها بازیگران هستند و تعامل میان این دو تغییر نهادی را شکل می دهد. نهادها قید و بندهایی هستند که انسان ها بر تعاملات تحمیل می کنند. این قید و بندها تعریف کننده فرصت های اقتصادی هستند (نورث: ۱۴۰۲: ۸۷).

نهادها عبارت هستند از الگوهای پایدار، ارج گذاری شده، و تکرار شونده رفتاری که بعد از پایان دوران اشخاص رهبران هم ادامه حیات می دهند. نهادها قواعدی بیدار هستند که رفتارهای انسانی را شکل داده، مقید کرده و در مسیر خاصی هدایت می کنند (فوکویاما: ۱۳۹۵: ۱۶). به نظر فوکویاما میان سه

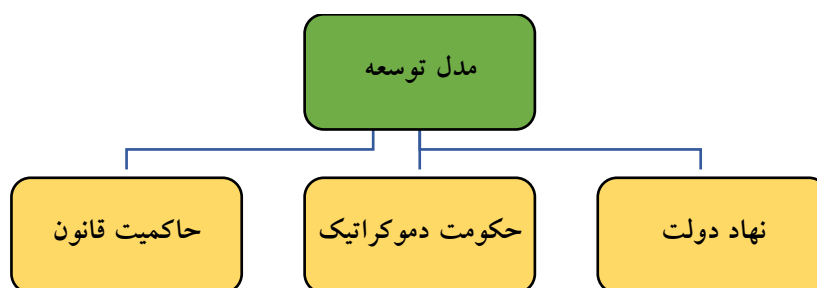
عنصر دولت (تولید قدرت)، حکومت دموکراتیک (انتخابات آزاد) و حاکمیت قانون (محدود کردن قدرت دولت) همواره تنش و تعرض دیده می‌شود و برای برقراری تعادل میان آنها یکی از دشوارترین کارها در مملکت‌داری کنونی است (فوکویاما، ۱۳۹۵: ۸).

فوکویاما، دل در گرو توسعه آمرانه دارد و آن را مقدم بر دموکراسی می‌داند و می‌گوید اگر در کشوری دولت مدرن از نوع وبری (بوروکراسی کارآمد) وجود نداشته باشد، ورود دموکراسی باعث رواج ویژه-پروری و حامی‌پروری و به دنبال آن فساد اداری می‌شود. جهت درک بهتر پارامترهای فوکویاما به توضیح مختصری از مؤلفه‌های مذکور می‌پردازیم:

- ❖ دولت، نهادی متمرکز و مبتنی بر سلسله مراتب است که در یک محدوده سرزمینی مشخص از انحصار به کارگیری زور مشروع برخوردار است. به طور کلی دولت‌ها را می‌توان به دولت‌های اولیه (ویژه‌پرور یا پدرسالار) و در مقابل دولت‌های مدرن تقسیم‌بندی کرد.
- ❖ حاکمیت قانون را می‌توان وجود یک نظم و قانون ساده، حق مالکیت و امکان اجرا گذاردن قراردادها برای تمامی آحاد ملت، وجود یک اجماع نظر گسترده در جامعه مبنی بر ضرورت محدود شدن حتی قوی‌ترین بازیگران سیاسی دانست.
- ❖ پاسخگو بودن به معنای واکنش نشان دادن حکومت در قبال مصالح کل جامعه به جای محدود کردن خود است.

در این پژوهش سعی شده تا به مطالعه سه عنصر کلیدی در توسعه اقتصادی پرداخته شود و سوال اینجا است که عامل پیشرفت کنونی عربستان نسبت به ایران در دهه‌های اخیر با توجه به شباهت سیاسی که با هم دارند در چیست؟ فرضیه پژوهش این است که عربستان با تغییر رویه در نگرش سیاسی دولت خود و با استفاده از درآمدهای منابع نفتی و گازی خود توانسته راه توسعه را پیدا کند و با یک نگاه از زاویه جدید کشور را به سمت توسعه همه جانبه پیش براند.

شکل ۱- مدل چارچوب نظری



(نگارنده)

ایران هم قبل و بعد از انقلاب اسلامی نهادهای بسیار بهتر و قوی‌تری نسبت به عربستان داشته، اما در دهه‌هایی به دلیل عدم نگاه مثبت به امر توسعه، ایران از برنامه‌های توسعه اقتصادی خود عقب مانده و از آن سو عربستان با تدوین برنامه‌های مختلف توسعه و انجام اصلاحات در تفکرات سیاسی رهبری، به کارگیری از منابع درآمدی نفت و گاز و لابی‌گری با کشورهای توسعه یافته بر آن است تا در آینده نه چندان دور به قدرت اول منطقه تبدیل و جایگاهی برای خود میان سایر کشورهای توسعه یافته جهان باز کند.

روش تحقیق

نهادهای سیاسی به عنوان یک ابزار عمل می‌کنند و فاینر معتقد است دولت یک گروه انسانی است که به اداره یک رابطه قدرت مشخص میان دولتمردان و رأی‌دهندگان می‌پردازد. این رابطه در نهادهای سیاسی جلوه‌گر می‌شود (Finer, 1932: 181). نهادهای سیاسی بیان‌کننده انتخاب‌های خاصی درباره چگونگی شکل‌گیری روابط سیاسی است. این نهادها دارای ماهیت هستند که به طور مداوم در اعضای یک جامعه دستوراتی را مبنی بر اینکه آنان باید در تعقیب اهداف سیاسی به شیوه خاصی عمل نمایند، القا می‌کند. این روش، نهادهای سیاسی را به عنوان نهادهایی که ضرورتاً حامل اجزاء هنجاری هستند، تعریف می‌کند (Johnson, 1975: 267-77). مقایسه میان کشورها از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده و اِکشتاین هم معتقد است مطالعات مقایسه‌ای در نیمه نخست قرن بیستم نوعاً بر نهادهای دولت متمرکز بودند (Eckstein, 1963: 3-32). این پژوهش بر مبنای استفاده از رهیافت نهادگرایی به مطالعه و واکاوی توسعه اقتصادی میان دو کشور ایران و عربستان می‌پردازد و در صدد آن است تا با کمک چارچوب نظری فرانسیس فوکویاما به علل موفقیت امروزی عربستان و عقب ماندن ایران در سال‌های اخیر بپردازد.

عربستان

در سال ۱۹۳۲، ملک عبدالعزیز بن سعود نسبت به تشکیل پادشاهی عربستان سعودی اقدام و با نام ابن سعود به مدت ۲۰ سال تا ۱۹۵۳ بر کل شبه جزیره حکمرانی کرد. پس از گذر زمان، قدرت و پادشاهی به ملک عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود ملک عبدالله انتقال یافت. وی در دوره حکومت ۲۰ ساله خود اصلاحات بنیادین خوبی را انجام داد که با شروع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ از سرعت آن تا حدودی کاسته شد. در واقع، ملک عبدالله، پیشتاز اصلاحات اقتصادی در راستای توسعه عربستان و زمینه‌ساز

وارد شدن به باشگاه ۲۰ کشور با اقتصاد بزرگ^۱ می‌باشد. از مهم‌ترین اصلاحات اقتصادی ملک عبدالله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ✓ اعطای حق رأی به زنان
- ✓ کاندید شدن آنان برای نمایندگی شورای شهرها
- ✓ اعزام جوانان برای تحصیل به اروپا و آمریکا با هزینه دولت عربستان
- ✓ همکاری دانشگاه علم و فناوری ملک عبدالله با دانشگاه‌های معتبر آمریکایی موسوم به STEM^۲
- ✓ فراهم‌سازی زمینه اشتغال دختران و پسران در امور اجرایی
- ✓ احداث مجموعه‌ای عظیم در ریاض جهت ارائه انواع خدمات مالی، بانکی، بورس و بیمه
- ✓ احداث دو کلان منطقه صنعتی به نام جُبیل و شهر اقتصادی ملک عبدالله در یَنبوع با هدف کاهش وابستگی به نفت
- ✓ توسعه فرودگاه‌های جده و مدینه
- ✓ احداث راه‌آهن و قطار برقی سریع‌السیر (سرعت ۳۰۰ کیلومتر در ساعت)
- ✓ احداث ترمینال‌های مدرن بین دو شهر مکه و مدینه
- ✓ ساخت و توسعه هتل‌های بسیار مدرن

اوج اصلاحات ملک عبدالله در دولت در سال ۲۰۰۹ اتفاق افتاد. بعد از درگذشت ملک عبدالله در سال ۲۰۱۵ و شروع پادشاهی ملک سلمان، وی با ترفندهای سیاسی نادرست و کنار گذاشتن رقبای اصلی جانشینی پادشاهی، پسرش محمد بن سلمان را به ولیعهدی خود و نایب‌السلطنه منصوب کرد. پادشاهان سعودی در زمینه ایجاد اصلاحات سیاسی هم مانند اصلاحات اجتماعی کُند بودند. نظام سلطنتی تا سال ۱۹۹۲ هیچ گامی به سوی تدوین چیزی به نام قانون اساسی برنداشت (اتاوی، ۱۴۰۳: ۹۳) و این در حالی است که در ایران پیشینه قانون اساسی به نهضت مشروطه در سال ۱۲۵۸ (۱۹۰۶ میلادی) و بعد از آن به تدوین قانون اساسی ج.ا.ا در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) بر می‌گردد و تاریخ‌های مذکور نشان‌دهنده آن است که ایران بسیار قبل‌تر از عربستان دارای قانون و در وضعیت بسیار بهتری بوده اما بعد از گذشت زمان این عربستان بوده که توانسته با انجام اصلاحات در قانون خود گام به سوی پیشرفت و توسعه بردارد.

1 - G20

2 - STEM (Science, Technology, Engineering, Mathematics)

محمد بن سلمان دارای شخصیت کینه‌توز و خودخواهی است و حتی انتصاب وی به‌عنوان ولیعهدی اولویت مادر ایشان نبوده است. وی در مورد خودنمایی و مطلوب نشان دادن وجهه‌اش در نزد عامه مردم کشورش و جهانیان تلاش بسیار زیادی کرده است. از نمونه‌های بارز این اقدامات می‌توان به خرید یک کاخ ویلای زیبا در نزدیکی کاخ ورسای به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار و یک قایق تفریحی ۴۴۰ فوتی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار اشاره کرد (اتاوی، ۱۴۰۳: ۱۳۰). محمد بن سلمان با تابوشکنی و با حضور در جمع جوانان و زن‌ها سعی بر آن داشت تا بر سنت‌های دیرینه آل سعود غلبه کند و راهی برای خود در سلطنت باز کند.

یکی از اصلاحاتی که محمد بن سلمان پس از به دست آوردن قدرت انجام داد، قطع امکانات و تسهیلات بسیاری از شاهزادگان عربستانی بود. حقوق ماهیانه، آب و برق مجانی، وام‌های بدون بهره بانکی، بلیط‌های اهدایی هواپیما، پاداش‌های ازدواج، هزینه کاخ‌هایشان همه از مواردی بودند که با قطع آنها رقمی معادل ۱۰۷ میلیارد دلار به صورت نقد و دارایی به خزانه دولت بازگشتند.

محمد بن سلمان در نظر داشت تا حکومت عربستان را بر مبنای مالیات داخلی نهادینه کند، سوبسید برقی را حذف و بخش‌های خصوصی را به استخدام نیروهای سعودی به نیروهای داخلی تشویق کند. همچنین، در نظر داشت درآمد نفتی را در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری کند تا اقتصاد کشور تماماً روی نفت متکی نباشد (هوپ و شک، ۱۳۹۹: ۹۶). در واقع، محمد بن سلمان به دنبال ترسیم و ارائه یک چشم‌انداز فوق‌العاده‌ای از عربستان بدون وابستگی به نفت بود که آن را چشم‌انداز ۲۰۳۰ می‌نامید. وی به دنبال سرمایه‌گذاری ۴۰۰۰ میلیارد دلاری به جهت تقویت اقتصاد غیر نفتی بود و معتقد بود با این کار تولید ناخالص داخلی عربستان در سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد.

در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، صنعت گردشگری جایگاه ویژه و خاصی داشت و محمد بن سلمان در نظر داشت تا از طریق آن استراتژی برای جلب حمایت‌های گسترده به‌ویژه جوانان استفاده کند. محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۱، خیریه خودش را بنیان نهاد و نام آن را بنیاد شاهزاده محمد بن سلمان بن عبدالعزیز نام نهاد که به MISK مشهور شد. این خیریه، محلی برای فعالیت‌های هنری و روشنفکرانه سعودی‌ها که سال‌ها به وسیله مذهب وهابی سرکوب شده بود، گردید. این بنیاد خیلی زود به نماد

برجسته و چشم چراغ وی که در تلاش برای ارتقا جوانان سعودی که مبنای اساسی موقعیت سیاسی او بود، تبدیل شد (اتاوی، ۱۴۰۳: ۵۲).

اصلاحات سیاسی محمد بن سلمان به شیوه دوران سنتی سلاطین همراه با مشت‌های آهنین بود و هرگاه معترضی می‌دید که به گونه‌ای حرف حق می‌زند آن را به نحوی حذف سیاسی و یا همچون جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار عربستانی از طریق بنیاد MISK که در باطن به‌عنوان بازوی اطلاعات امنیتی سعودی بود، حذف فیزیکی می‌کرد.

محمد بن سلمان در نظر داشت تا بزرگ‌ترین صندوق ثروت ملی در جهان را بسازد و پادشاهی را به مرکز مالی و بین‌المللی در مقیاس جهانی تبدیل کند (اتاوی، ۱۴۰۳: ۱۵۸). محمد بن سلمان در اندیشه خود چشم‌انداز ایجاد چهارمین پادشاهی سعودی را تصور می‌کند که در آن احداث ابر کلان شهر مدرن آینده موسوم به نئوم که به مفهوم آینده جدید و پیشرو است، جای گرفته است. نئوم - ترکیبی است از کلمه قدیم لاتین نئو به معنی جدید و حرف M که حرف اول کلمه عربی مستقبل (Mustaqbal) به معنای آینده - پروژه‌ای کلان به مساحت ۱۰,۰۰۰ مایل مربع (حدود ۳۳ برابر شهر نیویورک) و به طول ۱۷۰ مایل در امتداد ساحل دریای سرخ خواهد بود که هزینه آن حداقل ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد شده که توسط ربات‌ها اداره خواهد شد، به وسیله پهپادها خدمات ارائه می‌دهند، برقش از انرژی خورشیدی و بادی تامین می‌گردد و الگو و آزمایشگاهی برای پیشرفته‌ترین فناوری هوش مصنوعی در جهان به حساب خواهد آمد (اتاوی، ۱۴۰۳: ۴۹ و ۱۵۹).

محمد بن سلمان نه تنها پروژه نئوم و عرضه اولیه سهام آرامکو را در فهرست برنامه‌هایش داشت بلکه به سه ابرکلان پروژه دیگر در زمینه صنعت، گردشگری و سرگرمی فکر می‌کرد. دو مجتمع گردشگری با استاندارد بالا به نام پروژه‌های آمالا در دریای سرخ که در جنوب شهر نئوم قرار داشت و دیگری پروژه القیدیه است که در ۲۵ مایلی ریاض قرار دارد، جایی شبیه به دیزلی‌لند آمریکا، اما بسیار بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر (اتاوی، ۱۴۰۳: ۱۶۲). محمد بن سلمان در نظر داشت که ۵٪ از سهام شرکت سعودی آرامکو را که سودآورترین شرکت نفتی جهان است، در بورس بفروشد. ارزش کل سهام سعودی آرامکو بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیارد دلار برآورد شده بود. بنابراین درآمد حاصل از فروش ۵٪ سهام، بالغ بر حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار می‌شد (اتاوی، ۱۴۰۳: ۱۵۹). در حقیقت صندوق سرمایه‌گذاری عمومی

(PIF)^۱، موسس، پشتیبان مالی و سهام‌دار اصلی چهار ابرکلان پروژه‌های نئوم، القیدیه، آمالا و دریای سرخ می‌باشد و حمایت‌های مالی را انجام می‌دهد. با اجرای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ محمد بن سلمان حذف بیکاری و رساندن نرخ بیکاری به صفر را مد نظر داشت که البته کمی پس از شروع پروژه نرخ بیکاری از ۱۲/۷ به ۷ درصد کاهش یافت که خود این نشان‌دهنده عملی شدن پروژه بوده است.

ایران

نوسازی و اصلاحات در ایران معاصر را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود. دوره اول اصلاحات زمان عباس میرزا، قائم مقام امیرکبیر و سپهسالار، دوره دوم انقلاب مشروطه، دوره سوم پهلوی اول و دوم و در نهایت دوره چهارم اصلاحات جمهوری اسلامی ایران است. ماهیت دولت در ایران بر اساس تحلیل‌های مختلف گاه‌گاهاً به صورت شیوه تولید آسیایی، استبداد شرقی، پاتریمونیالیسم استفاده تبیین شده است. به این معنا که دولت به صورت فئودال اروپایی نبوده و به صورت خودکامگی و مطلقه‌گرایی بوده و دولت بیشتر جنبه شخصی و فردی داشته است و همواره میان دولت و ملت فاصله زیادی وجود داشته است. قانون‌مندی، نهادینگی، عقلانیت، ثبات و پایداری که در نظام‌های سیاسی مدرن وجود دارند، در ایران ریشه تاریخی ندارد (موثقی، ۱۳۸۵: ۶۵).

تا دوره رضاشاه اقتصاد ایران معیشتی و فوق‌العاده ناامن بود. رضاشاه کشوری را تحویل گرفت که تقریباً با چهار هزار سال پیش خود چندان فرق نمی‌کرد؛ جز در برخی محصولات وارداتی مانند اتومبیل احمدشاه همه چیز همان بود که پیش‌تر هم در ایران بود (لشکربلوکی، ۱۴۰۰: ۶۴).

اصلاحات سریع رضاشاه موجب گردید تا در خلال سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۰۴ نظام آموزشی جدید پایه‌ریزی گردد، اداره مدارس میسیون‌های مذهبی و اقلیت‌ها تحت مدیریت دولت درآمدند و در اواخر سال ۱۳۱۳ با تصویب قانون تاسیس دانشگاه، بنای دانشگاه تهران آغاز شد. اعزام دانشجویان به خارج نیز از سال ۱۳۰۷ آغاز گردید. تقسیمات اداری و کشوری که در دوران قاجار به صورت تقسیم‌بندی‌های قومی بود، از سال ۱۳۱۶ به صورت تقسیم‌بندی‌های جدید کشوری تغییر کرد و کشور به ۱۳ استان تقسیم شد که تقریباً مطابق با الگوی فرانسوی‌ها بود. از دیگر مهم‌ترین اقدامات و اصلاحاتی که انجام گردید تاسیس بانک ملی و تثبیت ریال به جای قران بود. مهم‌ترین نوآوری که حادث گردید تاسیس

راه آهن دولتی و سرتاسری ایران به کمک مشاورین خارجی بود که شمال، جنوب غربی و غرب را به هم متصل می کرد و هزینه این تاسیسات هم از محل مالیات بر قند و شکر و چای تامین شد.

تضادهای داخلی و بین المللی مانع از تداوم و تقویت فرایند انباشت سرمایه و صنعتی شدن توسط دولت با جهت گیری توسعه ای شد و به سقوط رضاشاه انجامید. ساختار سیاسی در زمان رضاشاه علی رغم وجود نهادهای موثر بی ثبات، فاقد پایگاه طبقاتی کارآمد و تکیه گاه های اجتماعی مطمئن بود. به عبارتی در این دوره ساختار سیاسی از منظر دولت حاکم، قوی است زیرا دولتی استبدادی بر سر کار است اما از نظر پایگاه اجتماعی ضعیف است زیرا نهادهای حاکم، ساختار طبقاتی ندارند (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). رضاشاه پس از ناکام ماندن در اداره کشور در سال ۱۳۲۰، تحت نظر نیروهای بریتانیایی به جزیره موریس و در نهایت در شهر ژوهانسبورگ تحت نظر قرار گرفت. از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲، بی نظمی، بی ثباتی، هرج و مرج اجتماعی به اوج خود رسیده بود و همچنین اشغال کشور توسط ارتش - های بیگانه وضع را وخیم تر کرده بود، به صورتی که آمریکا نفوذ خود را به جای نیروی های انگلیس و روس بیشتر کرد تا حدی که توانستند محمدرضا پهلوی را به سلطنت برسانند. محمدرضا برای جلب نظر مردم زندانیان سیاسی را آزاد کرد و املاک موقوفه را به نهادهای مذهبی و املاک خالصه را به دولت و سپس صاحبان سابق آن برگرداند و بر مصونیت پارلمانی نمایندگان مجلس تاکید کرد و مجلس را به مشارکت روند تشکیل کابینه دعوت نمود (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

محمدرضا شاه همانند پدرش، در ابتدا مورد حمایت ائتلاف طبقات ثروتمند قرار داشت اما رفته رفته پس از تثبیت و تحکیم قدرتش از حمایت آنها دور شد. علی رغم اینکه فعالیت های اقتصادی بسیار خوب و مهمی در دوره پهلوی اول و دوم اتفاق افتاده بود و کشور از لحاظ اجتماعی - اقتصادی رشد چشمگیری پیدا کرده بود اما وابستگی شدید ایجاد شده به آمریکا نتوانست راه سعادت نهایی را نیز در حوزه سیاسی برای کشور رقم بزند و این نوسازی ایجاد شده ناگزیر به پیوندهای بین حکومت و ساختار اجتماعی لطمه بسیار زیادی زد و شکاف بین محافل حاکم و نیروهای جدید را عمیق تر ساخت. در واقع به دلیل سنت پادشاهی، ضعف مالکیت خصوصی، ضعف طبقات اجتماعی و تداوم ساختار قدرت سنتی، فساد و رشوه خواری درباریان و عدم پاسخگویی و همچنین عدم اجرای حاکمیت قانون در تمامی سطوح مملکتی در نهایت منجر به انقلاب ۵۷ گردید.

جمهوری اسلامی ایران که محصول تقابل جامعه به رهبری علما با دولت پهلوی بود، در سال ۵۷ شکل گرفت و به تدریج هم از نظر فکری هم از نظر پایگاه اجتماعی به پدیده ای اساساً متفاوت منجر شد.

سال‌های اولیه انقلاب فاکتورهای فوکویاما به نحو درستی در حال شکل گرفتن بود و نهاد دولت در مسیر درستی داشت قرار می‌گرفت، پاسخگویی دموکراتیک توسط نیروهای دولتی به خوبی در حال انجام شدن بود و حاکمیت قانون برای همه نسبتاً عادلانه اجرا می‌شد اما بعد از گذشت زمان تقریباً همه چیز از ماهیت اصلی خود فاصله گرفت و بعضی از افراد و گروه‌هایی که خود از بدنه حاکمیت پیشرفت کرده‌اند و به جایگاهی رسیده‌اند، حالا به یک اپوزسیون واقعی تبدیل شده‌اند.

اگر در برنامه عمرانی پنجم قبل از انقلاب، محمدرضا پهلوی دخالت نمی‌کرد و با خویشتن‌داری اجازه می‌داد تا طرح عمرانی نوشته شده مسیر خود را پیش ببرد و یا اگر رویکردهای متفاوت گروه‌های سیاسی بعد از انقلاب، تحریم‌های خارجی، جنگ تحمیلی و بی‌اطلاعی و بیگانگی دولتمردان با مفهوم توسعه که منجر به رکود و تعطیلی ۱۰ ساله برنامه‌های اقتصادی گردید، نبود، به احتمال زیاد اوضاع اقتصادی ایران به گونه دیگر رقم می‌خورد. توسعه زمانی محقق می‌گردد که در درجه اول آگاهی و شناخت از مفهوم توسعه در کشور بین دولت و ملت فراگیر شده باشد و همه خواهان برقراری فرهنگ توسعه باشند؛ خرد جمعی، هماهنگی، همگرایی بین دولت پاسخگو و مردم به وجود آمده باشد و ارتباط با جهان بین‌الملل نیز در دستور کار قرار گیرد. برآمد نزدیک به ۷۷ سال برنامه‌ریزی در ایران این طور نشان می‌دهد که تا کنون ۱۳ برنامه توسعه (پیش و پس از انقلاب) نوشته شده و هم اکنون به دنبال برنامه‌های بعدی می‌باشیم، اما هنوز هیچ اتفاق چشمگیری برای ایران حاصل نشده و در یک دور باطل توسعه نیافتگی قرار گرفته‌ایم و تا چرخه فضیلت اصلی راه زیادی در پیش داریم.

در ایران انقلاب مشروطیت آغازکننده توسعه بود. تحولی که بیشتر در صدد اعمال حاکمیت قانون و محدود و مشروط کردن قدرت مطلق پادشاه بود اما این انقلاب به دلایل مختلف در مسیر خود به حکومت رضاشاه منجر شد که به جای حاکمیت قانون بر اقتدار بوروکراتیک و ایجاد نهادهای مدرن و مشخصاً ارتش تکیه داشت اما رضاشاه در ایجاد دولت وبری توفیق چندانی نداشت، ضمن اینکه اعتقادی نیز به حاکمیت قانون نداشت. محمدرضا شاه نیز کم و بیش همین مسیر یعنی توسعه آمرانه بوروکراتیک ادامه داد؛ هرچند بوروکراسی ایران در زمان وی هم فاقد استقلال و کارآمدی لازم بود. با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دو اتفاق مهم رخ داد؛ نخست اینکه بوروکراسی ایجاد شده توسط رژیم پهلوی دستخوش پاکسازی و دگرگونی شدید شد و بوروکرات‌های قدیمی جای خود را به نیروهای انقلابی جوان دادند که از قضا میانه خوبی با بوروکراسی نداشتند و بسیج توده‌ای را مؤسس‌تر از حرکت در چارچوب بوروکراسی می‌دانستند. دوم اینکه پاسخگوی دموکراتیک ذیل انتخابات تقویت شد و مشارکت مردم

در سیاست نسبت به گذشته بیشتر و موثرتر شد که ضلع دوم یعنی حاکمیت قانون همچنان ضعیف بود. از منظر توسعه آنچه در ایران اتفاق افتاده کاهش ظرفیت بوروکراتیک دولت در اداره عمومی از یک طرف و حامی‌پروری ناشی از رشد رویه‌های دموکراتیک از طرف دیگر بوده است. در چنین شرایطی راهکار برون رفت از وضع موجود را باید در اداره عمومی کارآمد توسط بوروکراسی قوی جستجو کرد. دولت بوروکراتیک توسعه‌گرای قوی می‌تواند مانع حامی‌پروری و فساد اداری شود و هم‌زمان حاکمیت قانون را به نفع اقشار ضعیف‌تر اقتصادی و اجتماعی اعمال کند تا بتواند نیروهای بازار را مهار کند؛ در غیر این صورت روند کاهش مدار بوروکراتیک و سلطه نیروهای قوی‌تر و ضعیف‌تر تداوم پیدا کرده و موضوع توسعه همچنان در حاشیه خواهد ماند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۲).

یافته‌های پژوهش

در واقع جای‌گیری نهادها در یک کشور است که باعث توسعه صحیح یک کشور می‌گردد و نتیجه عملکرد مناسب نهادها در نهایت به صورت شاخص‌های توسعه اقتصادی نمایانگر خواهد شد. به همین دلیل ابتدا به بررسی برخی از نهادهای مهم فی‌مابین کشورهای ایران و عربستان که زمینه‌ساز رشد و ترقی بوده‌اند، می‌پردازیم و در انتها با ذکر برخی از شاخص‌های توسعه بحث را پیش می‌بریم.

۱) دیوان پادشاهی عربستان

دیوان پادشاهی عربستان یکی از مهم‌ترین نهادهای عربستان است که از وظایف آن می‌توان به الف) تمرکز اقتدار تصمیم‌گیری: هسته مرکزی هماهنگی سیاست‌های کلان کشور، ب) کنترل بر نهادهای اجرایی و اقتصادی: پیوند مستقیم با وزارتخانه‌ها، صندوق‌ها و برنامه‌های توسعه، ج) هماهنگی و انسجام سیاست‌ها: کاهش چندگانگی و موازی‌کاری اشاره نمود. در ایران، چنین تمرکز مستقیم و یکپارچه وجود ندارد، اما نزدیک‌ترین نهادها با ویژگی‌های مشابه عبارت هستند از: ۱) دفتر مقام معظم رهبری: این نهاد به طور کلی الف) نقش راهبری کلان سیاسی، تعیین خطوط اصلی سیاست‌ها، ب) نظارت و هماهنگی نهادهای اجرایی و نظامی، ج) تمرکز ایدئولوژیک و سیاست‌گذاری کلان را بر عهده دارد. ۲) هیأت دولت (ریاست جمهوری و کابینه): بخش دیگر وظایف و امور کشوری در راستای اختیارات هیأت دولت می‌باشد. نهاد مذکور نیز مسئول سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی است. این نهاد مهم با هماهنگی میان وزارتخانه سعی بر تسهیل و کنترل موارد جاری در کشور را دارد

اما به دلیل حضور نهادهای موازی نظیر رهبری، مجلس، شورای نگهبان، باعث کاهش انسجام آن شده است. ۳) شورای عالی هماهنگی اقتصادی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و اقتصادی: این شورا در واقع مکمل نهادهای فوق می‌باشد و عهده‌دار نقش مشورتی و هماهنگی میان نهادها است ولی در واقع تصمیم‌گیری نهایی اغلب نیازمند تأیید رهبری است.

اگرچه ایران نهادهایی برای هماهنگی سیاست‌ها دارد، اما هیچ نهادی به اندازه دیوان پادشاهی در عربستان، تمرکز کامل بر تصمیم‌گیری و انسجام اجرایی ندارد. در ایران، قدرت اجرایی و سیاست‌گذاری میان دفتر مقام معظم رهبری و هیأت دولت و نهادهای موازی توزیع شده است، که این پراکندگی، انسجام و ظرفیت اجرایی دولت را کاهش می‌دهد.

۲) صندوق توسعه ملی سعودی

این صندوق جزء یکی از نهادهای مرکزی توسعه اقتصادی می‌باشد که از ماموریت‌های مهم آن می‌توان به الف) تدوین، هدایت و نظارت بر سرمایه‌گذاری بلند مدت، ب) تجمیع و تخصیص منابع مالی به پروژه‌های کلان اقتصادی (زیرساخت، انرژی، صنعت)، ج) هماهنگ‌سازی با اهداف کلان برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ اشاره کرد. از سوی دیگر مشابه آن نهاد در ایران صندوق توسعه ملی است که سهم آن در اجرای پروژه‌های توسعه‌ای واقعی بسیار محدود است و شفافیت در تخصیص منابع، اولویت‌بندی پروژه‌ها و ارزیابی عملکرد بسیار ضعیف‌تر از نمونه سعودی دارد. همین امر موجب می‌شود تا در عربستان تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری سریع‌تر و هدفمندتر انجام گردد اما در ایران منابع پراکنده، زمان‌بر و با هدایت کم اثر تخصیص می‌یابند.

۳) صندوق توسعه صنعتی سعودی

از مهم‌ترین وظایف این صندوق می‌توان به الف) تأمین مالی بلند مدت پروژه‌های صنعتی و زیرساختی، ب) ارزیابی اقتصادی پروژه‌ها، تضمین بازگشت سرمایه و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری اشاره کرد. در مقابل در ایران نهادهای مشابه چون بانک صنعت و معدن وجود دارند اما با فرایند طولانی، هزینه بالا و ضعف در مدیریت ریسک. پیامد نهایی نهاد مذکور به این صورت است که در عربستان پروژه‌های صنعتی را سریع‌تر و با هزینه سرمایه پایین‌تری عملیاتی می‌کند اما در ایران پروژه‌ها اغلب معطل تأمین مالی یا از ریسک سرمایه‌گذاری فرار است.

۴) صندوق ثروت حاکمیتی فعال و توسعه‌گرا

این صندوق بزرگ‌ترین ابزار دولت برای تنوع‌بخشی اقتصاد می‌باشد که با سرمایه‌گذاری فعال در الف) لجستیک، گردشگری، انرژی نو، ب) شرکت‌های فناوری جهانی، ج) پروژه‌های کلان‌نژوم، دریای سرخ توانسته است تحول عظیمی در عربستان ایجاد کند. از سوی دیگر می‌توان به وضعیت متناظر در ایران: که صندوق توسعه ملی است اشاره کرد که الف) بیشتر نقش منبع تأمین کسری بودجه دارد، ب) فاقد استراتژی پرتفوی توسعه‌محور، ج) استقلال عملیاتی بسیار محدود دارد. صندوق ثروت حاکمیتی فعال و توسعه‌گرا، در واقع موتور توسعه‌بخش غیر نفتی عربستان است و این در شرایطی است که ایران فاقد صندوق ثروت با منطق سرمایه‌گذاری توسعه‌ای واقعی است.

۵) نهادهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بازاریابی سرمایه

این نهاد یک نهاد تخصصی محسوب می‌شود که هدف آن الف) برای بازاریابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری سعودی در سطح جهانی و ب) طراحی بسته‌های جذاب سرمایه‌گذاری، تسهیل روابط با سرمایه‌گذاران بین‌المللی می‌باشد. از سوی دیگر در ایران، سازمان‌های متعددی با نام‌های مختلف مثلاً سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری وجود دارند که فاقد تمرکز، برندینگ جهانی و خدمات یکپارچه به سرمایه‌گذار خارجی می‌باشند. نتیجه بررسی این دو نهاد به این صورت می‌شود که عربستان توان جذب سرمایه مستقیم خارجی بیشتری دارد ولی ایران با وجود ظرفیت بالا، کمتر در میان اهداف سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌المللی دیده می‌شود.

۶) برنامه‌ریزی راهبردی و نهادی

نهاد چشم‌انداز ۲۰۳۰ یکی دیگر از مهم‌ترین نهادهای عربستان می‌باشد که دارای اهداف مشخصی همچون تنوع اقتصادی، خصوصی‌سازی، جذب فناوری و اشتغال می‌باشد. اما از سوی دیگر در ایران، برنامه‌های توسعه‌های ۵ ساله وجود دارد که الف) نظم اجرایی کمتری دارند، ب) همواره با تغییر دولت‌ها سرعت به نوعی با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند و به درستی پیگیری نمی‌شوند، ج) و میان اهداف کلان و وظایف اجرایی تعارض جدی وجود دارد. از مهم‌ترین نتایج و پیامدهای آن می‌توان به بهتر بودن توان هماهنگی میان نهادها، بخش خصوصی و محل سرمایه‌گذاری در عربستان اشاره کرد و این در حالی است که نهاد مشابه در ایران در اجرای برنامه‌ها به دلیل تغییر مکرر سیاست‌ها و ضعف در پایش عملکرد دچار اختلال است.

۷) نهادهای فناوری، نوآوری و اقتصاد دیجیتال

از نمونه‌های مهم این نهاد می‌توان به سازمان‌های تسهیلات جذب فناوری نوین اشاره کرد که هدف آن (الف) جذب استارت‌آپ‌ها و سرمایه‌گذاری در فناوری، (ب) فضای مناسب برای همکاری با شرکت‌های بزرگ فناوری جهانی می‌باشد. از سوی دیگر در ایران نیز چنین نهادی موجود می‌باشد اما (الف) بازار سرمایه‌گذاری آن ضعیف است، (ب) دارای محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی، (ج) کمبود شتاب‌دهنده‌های بزرگ با شبکه جهانی می‌باشد. همین امر موجب می‌شود که رشد فناوری و نوآوری در عربستان با سرمایه‌گذاری هدفمند سرعت بگیرد ولی در ایران به دلیل محدودیت سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه، هنوز در مرحله رشد ابتدایی قرار دارد.

در عربستان، نهادها نه تنها وجود دارند بلکه بسیار هدفمند، با استقلال اجرایی، رتبه‌بندی عملکرد و اتصال به برنامه‌های کلان کار می‌کنند ولی در ایران، نهادها اغلب کم قدرت، پراکنده در وظایف، با ضعف اتصال به سیاست‌های کلان و بوروکراسی بالا هستند. در واقع، این تفاوت‌های نهادی مستقیماً بر کارایی سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذار خارجی، بهره‌وری منابع، توسعه بخش‌های غیر نفتی تاثیرگذار بوده است.

جهت درک بهتر موضوع به بررسی برخی از شاخص‌های توسعه اقتصادی که در سال‌های اخیر توسط سازمان‌های معتبر گردآوری و گزارش شده‌اند می‌پردازیم.

شاخص توسعه اقتصادی در فاصله سال‌های ۴۲-۱۳۳۲ به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار، منجر به آن شد تا طی آن شاه شمار نیروهای مسلح خود را از ۱۲۰،۰۰۰ نفر به بیش از ۲۰۰،۰۰۰ نفر برساند و بودجه سالانه نظامی را از ۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۳۲ به حدود ۱۸۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ افزایش دهد. درآمدهای نفتی از ۵۵۵ میلیون دلار در سال ۴۲-۱۳۴۱ و ۸۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۴۶ به ۱.۲ میلیارد دلار در سال ۴۹-۱۳۴۸، ۲.۲۵ میلیارد دلار در سال ۵۲-۱۳۵۰ و ۱۹.۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ رسید. رشد اقتصادی کشور عملاً متکی به صنعت نفت بود و همین امر باعث افزایش GDP و GNP ایران گردیده بود (موثقی، ۲۵۳: ۱۳۸۵).

افزایش تولید ناخالص داخلی در فاصله سال‌های ۵۷-۱۳۴۲ به حدی بود (میانگین سال ۱۰.۸٪) که تنها دو سه کشور در آن زمان در جهان از ایران جلوتر بودند که خود این امری مثبت و غیر قابل باور محسوب میشد. اما به دلیل عدم وجود ثبات در هسته مرکزی دولت و توزیع نابرابر ثروت در سطح جامعه موجب افزایش نارضایتی مردم گردید؛ به حدی که در اواخر دوره پهلوی دوم بسیاری از کارگران

و همچنین روشنفکران از ایشان پیروی و تبعیت نمی‌کردند. تلاش و تکاپوی شرکت‌های خارجی در واردات صنایع‌های تک بیشتر شد، به این ترتیب که صنایع مونتاژ مثل تولید اتومبیل و لوازم برقی خانگی به تدریج جنبه غالب پیدا کرد و تولید سالانه اتومبیل که عمدتاً سرمایه‌اش برای شرکت چند ملیتی بود از ۷۰۰۰ دستگاه در سال ۱۳۴۴ به ۱۰۹۰۰۰ دستگاه در سال ۱۳۵۴ رسید (موثقی، ۲۵۶: ۱۳۸۵).

برخی دیگر از شاخص‌های ارزشمند توسعه که می‌توان به آن اشاره کرد عبارت هستند از شاخص ادراک فساد که ایران از بین ۱۸۰ کشور رتبه ۱۵۱ را به خود اختصاص داده و درآمد ناخالص داخلی آن ۴،۶۶۰ دلار است و این در حالی است که شاخص ادراک فساد در عربستان ۳۸ و درآمد ناخالص داخلی آن ۳۵،۵۷۰ دلار در سال ۲۰۲۴ می‌باشد.

از دیگر موارد خطوط هوایی عربستان است که در سال ۲۰۲۵ در منطقه خاورمیانه بعد از قطر و امارات جایگاه سوم را به خود اختصاص داده و این در صورتی است که ایران در این تقسیم‌بندی در میان ۱۰ کشور برتر خاورمیانه نبوده است.

طبق مطالعات انجام شده توسط سازمان نامبئو^۱، شاخص کیفیت زندگی که تشکیل شده از قدرت خرید، امنیت، مراقبت‌های بهداشتی، آب و هوا، هزینه‌های زندگی، نسبت قیمت ملک به درآمد، زمان جابه‌جایی در ترافیک و آلودگی، در عربستان ۱۷۳،۷ و در ایران ۸۷،۲۱ در نوامبر ۲۰۲۵ تخمین زده شده که حاکی از آن است که دولت عربستان بیش از هر چیز در سال‌های اخیر برای شهروندان خود ارزش قائل شده و در صدد است تا زندگی بسیار باکیفیتی برای آنها فراهم کند و در واقع این اعداد نیز نشان‌دهنده این مهم می‌باشد و همان‌طور که شاهد آن بوده‌ایم، در سال‌های اخیر نیز تعداد زیادی از فوتبالیست‌های سرشناس خارجی جهت بازی در لیگ‌های عربستانی به آن کشور مهاجرت کرده‌اند و همین امر باعث شده تا میزان درآمد ناخالص داخلی آن کشور به طرز چشمگیری افزایش یابد.

طبق گزارش سازمان گالوپ پیرامون شاخص جهانی شادمانی در سال ۲۰۲۵، عربستان رتبه ۳۲ و نمره ۶،۶ و ایران رتبه ۹۹ و نمره ۵،۱ را از میان ۱۴۷ کشور مورد مطالعه کسب کرده‌اند. این اختلاف فاحش میان این دو کشور که در یک مدار جغرافیایی قرار دارند، بسیار تأمل برانگیز است.

میزبانی عربستان سعودی برای جام جهانی ۲۰۳۴ از دیگر موارد حرکت رو به جلوی این کشور می باشد که قرار است پنج شهر عربستان سعودی (ریاض، جده، نیوم، الخبر و ابها) میزبان ۴۸ تیم ملی از سرتاسر جهان باشند و این در حالی است که ایران تنها در سال ۱۹۷۴ (قبل از انقلاب) میزبان بازی های آسیایی بوده و بعد از آن رخداد مهم ورزشی دیگری که تمامی کشورهای جهان در آن حضور داشته باشند، برگزار نشده است.

جایگاه ایران از لحاظ نظامی ۱۶ و عربستان ۲۴ از میان ۱۴۵ کشور برآورد شده که این نشان دهنده آن است که پس از انقلاب اسلامی، ایران بیش از هر چیز به تقویت نیروها و ادوات نظامی خود، چه در ایران و خارج از مرزهای ایران، توجه و تمرکز داشته است.

اعداد و ارقام ارائه شده در خصوص برخی از شاخص های توسعه گواه این مطلب است که نظام فکری و سیاست های رهبری فعلی عربستان نسبت به گذشته کاملاً تغییر کرده و در تلاش هستند تا جایگاه سیاسی-اقتصادی خود را هم در خاورمیانه و هم در سطح جهانی با نزدیک شدن به غرب، به ویژه آمریکا و اسرائیل، تغییر دهند و این در صورتی است که ایران همچنان به سیاست های قدیمی خود پایبند است و این امر باعث می گردد تا رشد و توسعه آن با سرعت کمتری پیش رود. سفر اخیر محمد بن سلمان به آمریکا در نوامبر ۲۰۲۵ گویای همین امر است و موجب گردید تا به دستاوردهای مهم سیاسی-اقتصادی همچون الف) دستیابی به یک جایگاه دفاعی و همکاری امنیتی با آمریکا همپایه قطر، ب) کمک به تامین برخی از عناصر کمیاب به آمریکا جهت ساخت مراکز تولید مشترک با شرکت های ام پی متریالز^۱ و برخی شرکت های معدن، ج) خرید ۴۸ فروند F-35، ۳۰۰ فروند تانک آبرامز و ۶۰ فروند F-15x، ه) گرفتن مجوز دریافت سخت افزارهای مورد نیاز برای توسعه هوش مصنوعی، و) در نهایت گرفتن مجوز برای میانجیگری روابط ایران و عربستان دست یابد. این اقدامات نشان دهنده آن است که عربستان سعودی از همه جهات در حال پیشروی است و برنامه بلند مدت بسیار قوی و چشم اندازی برنامه ریزی شده برای خود طراحی کرده است.

با توجه به موارد مطروحه، می توان گفت که تا کنون کارنامه نسبتاً قابل قبولی در میان کشورهایی که خواهان استقلال از یوغ نظام سلطه هستند را کسب کرده ایم ولی تا رسیدن به نقطه مطلوب همچنان راه بسیار است. در ادامه به بررسی برخی از شاخص های ترکیبی توسعه میان ایران و عربستان می پردازیم:

جدول ۱- مقایسه شاخص ترکیبی توسعه ایران و عربستان ۲۰۲۳

ردیف	شاخص ترکیبی توسعه	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فردی	زیست محیطی	رتبه ۲۰۲۲	رتبه ۲۰۲۳
عربستان	۵۰.۵۳	۵۱.۲۰	۳۴.۳۹	۵۵.۵۱	۶۹.۳۰	۴۲.۲۴	۱۰۲	۷۶
ایران	۴۳.۰۳	۳۶.۲۲	۳۴.۱۰	۴۴.۹۶	۶۰.۰۴	۳۹.۸۴	۱۱۶	۱۲۲
میانگین جهانی	۵۲.۸۸	۴۵.۲۲	۵۵.۷	۵۴.۵	۶۰.۰	۴۷.۶		

(درخشان و همکاران، ۱۴۰۳)

رشد عربستان سعودی با ۱۱ رتبه ارتقاء در سال ۲۰۲۳ در نوبه خود بسیار قابل توجه است. عربستان در سال‌های گذشته مدام در حال بهبود توسعه بوده که این خود نشان‌دهنده تغییرات در خاورمیانه می‌باشد. اما رتبه ایران در سال ۲۰۲۲ نسبت به ۲۰۲۳، ۶ مرتبه تنزل داشته است. ایران در سال ۲۰۲۳، ۹ رتبه از میانگین جهانی پایین قرار دارد که نشان از افول ایران به دلایل مختلف می‌باشد و تنها از منظر فردی شاخص ترکیبی توسعه وضعیت نزدیکی نسبت به میانگین جهانی دارد. توسعه ایران دهه‌ها است که دچار بازی پونزی شده و وجود افکار غیر توسعه‌خواهانه واقعی و همچنین محافظه‌کاری نهادهای موجود در ایران باعث می‌شود که انجام اصلاحات در آنها به درستی انجام نگردد و با مشکلات متعددی روبه‌رو شود. اگر در طول یک سده گذشته تمامی درآمدهای منابع طبیعی صرفاً برای ایران هزینه می‌شد و نهادهای سیاسی و اقتصادی بهتر و کارآمدتری داشتیم، قطعاً وضعیت کنونی ایران از همه جوانب بهتر بود.

بحث و نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در عربستان، تمرکز اقتدار در دیوان پادشاهی، تقویت ظرفیت مالی و اجرایی از طریق صندوق سرمایه‌گذاری عمومی، نهادینه‌سازی برنامه‌ریزی راهبردی در قالب برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ و شورای امور توسعه و اقتصادی به افزایش انسجام تصمیم‌گیری و ظرفیت اجرایی دولت انجامیده است. این تمرکز نهادی، اگرچه با سطح محدودی از پاسخگویی سیاسی همراه است، اما در کوتاه مدت امکان اجرای پروژه‌های کلان توسعه‌ای را فراهم کرده است. در مقابل، ساختار حکمرانی در ایران با چندگانگی نهادی و پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری مواجه است؛ امری که انسجام بوروکراتیک و هماهنگی سیاستی را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است. از منظر مدل فوکویاما، عربستان در حال ساخت یک دولت توسعه‌گرای مقتدر است ولی ایران دچار فرسایش نهادی و پراکندگی قدرت

شده است. در واقع، تفاوت اصلی دو کشور نه در وجود یا فقدان نهادهای رسمی، بلکه در میزان انسجام، تمرکز و ظرفیت اجرایی آنها قابل تبیین است؛ عاملی که در مسیرهای متفاوت توسعه‌ای دو کشور نقش تعیین‌کننده داشته است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اتاوی، دیوید (۱۴۰۳). رویای توسعه محمد بن سلمان بن عبدالعزيز آل سعود. ترجمه علی اشرف افخمی. تهران: نیستان هنر.
- ۲- اندروز، مت؛ پرچت، لنت، و وولکات، مایکل (۱۳۹۷). توسعه به مثابه توانمندسازی حکومت. ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی. چاپ دوم. تهران: روزنه.
- ۳- بدیع، برتران (۱۳۷۹). توسعه سیاسی. ترجمه دکتر احمد نقیب‌زاده. چاپ هفتم. تهران: قومس.
- ۴- هوپ، برادلی، و شک، جاستین (۱۳۹۹). خون و نفت. ترجمه رضا اسکندری آذر. تهران: نشر نون.
- ۵- درخشان و همکاران (۱۴۰۳). کتاب توسعه ۱۴۰۲. تهران: کتاب شرق.
- ۶- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۵). نظم و زوال سیاسی. ترجمه رحمن قهرمان‌پور. چاپ چهارم، تهران: روزنه.
- ۷- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۹۷). تقدم اصلاح بوروکراسی و حاکمیت قانون بر دموکراسی. معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس، شماره مسلسل ۱۶۰۲۵.
- ۸- لشکربلوکی، مجتبی (۱۴۰۰). استراتژی توسعه ایران. چاپ اول. تهران: فرهنگ صبا.
- ۹- موثقی، احمد (۱۳۸۵). نوسازی و اصلاحات در ایران (از اندیشه تا عمل). تهران: قومس.
- ۱۰- نورث، داگلاس (۱۴۰۲). دگرگونی اقتصادی. ترجمه داود حیدری و مفید علیزاده. چاپ دوم. تهران: دنیای اقتصاد.

منابع غیر فارسی

- 1- Eckstein, Harry. (1963a). A Perspective on Comparative Politics, Past and Present, in H. Eckstein and Apter, D.E. (eds), Comparative Politics: A Reader (London: Free Press of Glencoe).
- 2- Finer, H. (1932). The Theory and Practice of Modern Government. 2 Vols. (London: Methuen).
- 3- Johnson, N. (1975). The Place of Institutions in the study of Politics. *Political Studies*, XXIII, pp. 271-83.